

مقایسه سازگاری اجتماعی پدران دارای فرزند با و بدون کم‌توانی ذهنی

فاطمه ترابی* / دانشجوی دکتری روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران

شیدا مندهمی / کارشناس ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی

ندا گرامی‌زاده شیرازی / کارشناس ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی

چکیده

زمینه: حضور یک کودک ناتوان، بار مراقبتی زیاد و فشارهای روانی، اجتماعی و مالی به همراه دارد که می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر ساختار و عملکرد خانواده داشته باشد و والدین را تحت تنش‌های جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد. برای مطالعه موضوع یادشده، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی سازگاری اجتماعی پدران دارای فرزند با و بدون کم‌توانی ذهنی انجام شد.

روش: این پژوهش علی-مقایسه‌ای روی ۸۷ پدر (۴۰ پدر دارای فرزند کم‌توان ذهنی و ۴۷ پدر دارای فرزند عادی) که فرزندشان در مدارس ابتدایی شهر مریوان مشغول به تحصیل بودند، مورد مطالعه قرار گرفت. روش نمونه‌گیری به شیوه در دسترس انجام شد. از مقیاس سازگاری اجتماعی پیکل و ویسمن (۱۹۹۹) به عنوان ابزار سنجش استفاده شد.

یافته‌ها: داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و دو رشته‌ای نقطه‌ای و آزمون تی مستقل مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین سازگاری اجتماعی پدران دارای فرزند با و بدون کم‌توانی ذهنی تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0.05$). از میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی فقط بین مولفه تحصیلات پدر با سازگاری اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد؛ بدین صورت که با افزایش سطح تحصیلات، پدر از نظر اجتماعی سازگاری مطلوب‌تری دارد.

نتیجه‌گیری: در مجموع پدران دارای فرزند عادی نسبت به پدران دارای فرزند کم‌توان ذهنی سازگاری اجتماعی بیشتری دارند؛ میزان تحصیلات پدر می‌تواند روی سازگاری اجتماعی مطلوب نقش داشته باشد، بنابراین از طریق آگاه‌سازی پدران به خصوص پدران دارای فرزند کم‌توان ذهنی می‌توان به افزایش سازگاری اجتماعی مطلوب کمک کرد.

واژه‌های کلیدی: سازگاری اجتماعی، پدران، کم‌توان ذهنی

می‌کند (جناآبادی^۳، ۲۰۱۳). وجود یک کودک ناتوان برای خانواده مشکلاتی به وجود می‌آورد که ممکن است هرگز بهبودیافتنی نباشد. زمانی که والدین در مورد ناتوانی کودک خود آگاه می‌شوند، گویی سفری را آغاز کرده‌اند که پر از تنش، هیجان، انتخاب‌های سخت و نیازمندی به اطلاعات و خدمات است؛ در واقع گویی به مسافرتی برنامه‌ریزی نشده می‌روند (مرکز اطلاعات ملی کودکان و نوجوانان با ناتوانی^۴، ۲۰۰۳). کم‌توانی ذهنی یکی از پیچیده و دشوارترین مسائل کودکان و نوجوانان در جوامع است (لوکاسن

در زندگی بزرگسالی والدشدن یک امر طبیعی به‌شمار می‌آید. همان‌قدر که والدشدن لذت‌بخش است، می‌تواند چالش‌برانگیز باشد (کاوا و شافی^۱، ۲۰۱۳)؛ والدشدن به مهارت‌ها و تلاش‌های بسیاری نیاز دارد به‌ویژه زمانی که در خانواده کودک کم‌توان ذهنی وجود داشته باشد (رشید^۲، ۲۰۱۲). حضور یک کودک ناتوان می‌تواند چالش‌ها را افزایش دهد و از لذت‌ها بکاهد (کاوا و شافی، ۲۰۱۳). همه والدین آرزومند فرزندی سالم، زیبا و باهوش هستند اما حضور یک کودک ناتوان نظام خانواده را با تغییراتی روبه‌رو

3. Jenaabadi
4. National information center for children and youth with disabilities

1. Kawa & Shafi
2. Rashid
* Email: etorabi1385@gmail.com

اشتغال مردان را بی ثبات کرده است و همین امر باعث شده تامین مسائل مالی خانواده برای پدر با تنش زیادی همراه باشد. پدرانی که شرایط ویژه‌ای دارند، فشار بیشتری را از نظر اقتصادی و مسئولیت‌پذیری متحمل می‌شوند؛ از جمله آنها می‌توان به پدران دارای فرزند با ناتوانی اشاره کرد (لوئیس و لام، ۲۰۰۷). هزینه و زمان زیاد صرف مراقبت از کودک ناتوان کردن، مواجهه با مشکلات کودک و لکه ننگی که اجتماع بر ناتوانی می‌زند، فشار را بر والد کودک ناتوان افزایش داده و تعاملات و عملکردهای اجتماعی والدین را تحت تاثیر قرار می‌دهد (ها، گرینبرگ و سلتزر، ۲۰۱۱). احساس انزوا، تنهایی، گسستن از منابع اجتماعی و در همین راستا، وجود مشکلاتی در سازگاری اجتماعی پدران دارای فرزندان با ناتوانی گزارش شده است (امرسون و لیولین، ۲۰۰۸).

سازگاری اجتماعی به معنای سازش شخص با محیط اجتماعی است که این سازگاری می‌تواند به وسیله وفق دادن خود با محیط یا تغییر محیط اطراف برای رفع نیازها و رسیدن به مطلوب ایجاد شود. شرط بقای زندگی انسان جنبه اجتماعی آن است. رشد اجتماعی افراد در تعامل با دیگران و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (عدلی، حیدری، زارعی و صادقی‌فرد، ۲۰۱۳). مشکلات سازگاری اجتماعی می‌تواند روی تعهدات فردی و اجتماعی تاثیر بگذارد و موجب مشکلاتی در سلامت فردی و اجتماعی شود. زمانی که روابط اجتماعی گسسته شود، توانایی تنظیم و مدیریت رفتار نیز از بین می‌رود. کمبود یا نبود روابط اجتماعی که در نتیجه سازگاری اجتماعی نامطلوب رخ می‌دهد، می‌تواند روی انگیزه و سلامت روان فرد تاثیر منفی بگذارد (جورج و اکیپانگ، ۲۰۱۲) و موجب عملکرد روانی ضعیف مانند احساس گناه، خودپنداره منفی، ناامیدی، عزت نفس پایین، انزوا و رضایتمندی پایین از زندگی شود (امرسون و لیولین، ۲۰۰۸).
در زمینه تاثیر حضور کودک ناتوان بر عملکرد و سازگاری والدین می‌توان به پژوهش‌هایی که در ایران

و ریوا، ۲۰۰۱). کم‌توانی ذهنی موقعیتی است که فرد از نظر هوشی به‌طور معناداری پایین‌تر از حد میانگین است و این اتفاق طی دوره رشد یعنی قبل از ۱۸ سالگی رخ می‌دهد و افزون بر این، فرد از نظر مهارت‌های سازشی دچار مشکل است. وجود کودک کم‌توان ذهنی می‌تواند روی نظام خانواده اثر منفی بگذارد (گهل، مخرجی و چودهری، ۲۰۱۱) زیرا داشتن یک کودک ناتوان با بار مراقبتی زیاد، فشارهای روانی، اجتماعی و مالی همراه است و می‌تواند والدین را تحت تنش‌های جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی قرار دهد (امرسون، ۲۰۰۳) و یک عامل نگران‌کننده برای سازگاری اعضای خانواده باشد (گهل و همکاران، ۲۰۱۱؛ کوهسالی، میرزمانی، کریملو و میرزمانی، ۱۳۸۷). بر اساس دیدگاه اجتماعی-بوم‌شناختی برون فن برنر^۴ کودک در مرکز قرار دارد و نظام‌های پیرامون مرکز از جمله خانواده، همسالان، مدرسه، جامعه و فرهنگ در تعامل با آن هستند. ارتباط ۲ طرفه‌ای بین کودک و سازگاری و عملکرد اعضای خانواده از جمله والدین وجود دارد. مشکلات کودک و چالش‌های مرتبط با ناتوانی کودک می‌تواند روی سازگاری‌های پدر و مادر اثرات منفی وارد کند. نگرانی‌هایی مانند مدیریت کردن کودک، وضعیت سلامت کودک، آگاهی و شناخت نداشتن از وضعیت کنونی کودک و نگرانی در خصوص آینده، همگی روی عملکرد و سازگاری والدین تاثیر می‌گذارد (دوین، هالین، پیشوگیوس، آمارو و هولمبک، ۲۰۱۱).

گرچه در خانواده بیشترین وظیفه مراقبت از کودکان بر عهده مادر است ولی امروزه پدران بیشتر از گذشته در مراقبت از کودک خود نقش دارند و مسئولیت اقتصادی خانواده را نیز بر عهده دارند. در عصر حاضر، پدر باید زمان آزاد خود را در ۳ حیطه تعامل با دیگران، در دسترس خانواده بودن و مدیریت به منظور مراقبت از فرزندان بگذراند. بی‌ثباتی اقتصادی در جامعه کنونی وضعیت

6. Lewis & Lamb
7. Ha, Greenberg & Seltzer
8. Liewlyn
9. George & Ukpong

1. Luckasson & Reeve
2. Gohel, Mukherjee & Choudhary
3. Emerson
4. Bron Fenbrenner
5. Devine, Holbein, Pishogios, Amaro & Holmbeck

سازگاری اجتماعی آن‌ها بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در پژوهش حاضر، سعی شد تاثیر حضور کودک کم‌توان ذهنی بر سازگاری اجتماعی پدر مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین هدف این پژوهش ارزیابی سازگاری اجتماعی پدران دارای فرزند کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و مقایسه آن با سازگاری اجتماعی پدران دارای فرزند عادی شهر مریوان بود. بر همین اساس، پژوهش حاضر به دنبال یافتن جواب پرسش‌های زیر است.

آیا بین سازگاری اجتماعی پدران دارای فرزند با و بدون کم‌توانی ذهنی تفاوت معناداری وجود دارد؟
 آیا بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن پدر، تعداد فرزندان، وجود فرزند آسیب‌دیده دیگر، وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات) و سازگاری اجتماعی پدران ارتباط معناداری وجود دارد؟

روش

روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود. در این پژوهش، پدران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و عادی به‌عنوان متغیر مستقل و سازگاری اجتماعی و ابعاد آن به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفتند. جامعه در دسترس متشکل از پدران همه دانش‌آموزان دوره دبستان که در مراکز تحت پوشش سازمان آموزش و پرورش استان کردستان در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ مشغول به تحصیل بودند، است. جامعه کل این پژوهش شامل همه پدران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و همه پدران عادی است که نتایج این پژوهش به آن‌ها قابل تعمیم است. با توجه به این که در شهر مریوان تنها یک مدرسه ابتدایی ویژه کودکان کم‌توان ذهنی وجود دارد، بنابراین در این پژوهش از مشاور مدرسه خواسته شد با همه پدران دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در این مدرسه تماس گرفته و بعد از هماهنگی برای انجام مصاحبه در مدرسه از آن‌ها دعوت به عمل آمد. حضور یافتن پدران در مدرسه و مصاحبه با آن‌ها وابسته به رضایت‌شان برای شرکت در پژوهش بود. همه پدران دارای فرزند کم‌توان ذهنی در مصاحبه حضور یافتند که تعداد آن‌ها ۴۰ نفر بود؛ به‌منظور دعوت پدران دارای

و کشورهای دیگر انجام شده است، اشاره کرد. نتیجه پژوهش گوپتا و سینگ^۱ (۲۰۰۴) حاکی از آن بود که کودک کم‌توان ذهنی تعاملات اجتماعی خانواده را بر هم می‌زند و الگوی روابط اجتماعی والدین را تغییر می‌دهد. در پژوهش ماجومدار، پیرا و فرناندز^۲ (۲۰۰۵) نشان داده شد، والدین کودکان کم‌توان ذهنی سطح بالایی از تنش و اضطراب را دارند. پژوهش گهل و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد حضور کودک کم‌توان ذهنی مشکلات هیجانی و ناراحتی‌های زیادی را برای والدین دربردارد. دوین و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که وجود کودک با ناتوانی می‌تواند روی سازگاری شغلی پدر تاثیر منفی بگذارد و در برنامه‌های شغلی پدر مشکلاتی را وارد کند. در پژوهش جناآبادی، عیسی‌زادگان، گرجی و دادکان (۲۰۱۴) نتایج نشان داد والدین دارای فرزند کم‌توان ذهنی در مقایسه با والدین دارای فرزند عادی از نظر سلامت روان، هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی به‌طور معناداری در سطح پایین‌تری قرار دارند. در پژوهش ناصرشریعی و داورمنش (۱۳۷۴) نشان داده شد، وجود فرزند کم‌توان ذهنی موجب محدودیت روابط خانوادگی می‌شود. پژوهش کوهسالی و همکاران (۱۳۸۷) حاکی از آن بود که سازگاری اجتماعی مادران با دختران کم‌توان ذهنی در مقایسه با سازگاری اجتماعی مادران با دختران عادی کمتر است. پژوهش کیمیایی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد پدران و مادران کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر از مشکلات سلامت روان رنج می‌برند؛ اضطراب و افسردگی در مادران بیشتر از پدران گزارش شد و این قبیل مسائل عملکرد اجتماعی والدین را دچار اختلال می‌کند.

مروری بر این پژوهش‌ها حاکی از آن است که پژوهش‌ها در خصوص تاثیر حضور کودک با ناتوانی کمتر به ابعاد اجتماعی به‌ویژه سازگاری اجتماعی پرداخته‌اند. اهمیت اشتغال و مسئولیت‌های اجتماعی پدران موجب شده تا نقش آن‌ها در جامعه و عملکردهای اجتماعی برجسته شود و در همین راستا

1. Gupta & Singh
 2. Majumdar, Pereira & Fernandes

در پژوهش حاضر نیز برای بررسی پایایی، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد. روایی این پرسش‌نامه از طریق ضریب همبستگی بین ۰/۳۲ تا ۰/۴۶ به دست آمد. داده‌های جمع‌آوری شده به کمک روش‌های آماری در ۲ بخش توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفت. در بخش آمار توصیفی به شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد پرداخته شد و در بخش استنباطی فرضیه‌ها به کمک روش‌های آماری استنباطی از آزمون تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و ضریب همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای استفاده شد.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به نخستین پرسش پژوهش مبنی بر این که آیا بین سازگاری اجتماعی پدران دارای فرزند با و بدون کم‌توانی ذهنی تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تی مستقل استفاده شد. اطلاعات جدول ۱ نمایانگر آن است که پدران دارای فرزند کم‌توان ذهنی در سازگاری شغلی، سازگاری در نقش والدینی و سازگاری اجتماعی کل نسبت به پدران دارای فرزند عادی سازگاری اجتماعی مطلوب کمتری از خود نشان دادند.

دانش‌آموز عادی نیز از روند یادشده استفاده شد که سرانجام ۴۷ نفر از پدران با رضایت در مصاحبه شرکت کردند.

برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس سازگاری اجتماعی پیکل و ویسمن^۱ (۱۹۹۹) استفاده شد که این پرسش‌نامه در سال ۱۳۷۸ به وسیله میرزمانی ترجمه و معرفی شده است. این مقیاس ۵۴ گویه‌ای یک مصاحبه نیمه‌ساختارمند است که سازگاری اجتماعی را در حوزه‌های سازگاری در شغل، فعالیت‌های اجتماعی فوق‌برنامه (فراغتی)، روابط خویشاوندی، روابط زناشویی، نقش والدینی، عضو واحد خانواده و سازگاری اجتماعی کل شامل می‌شود. نمره بالا در هر زیرمقیاس نشان‌دهنده سازگاری اجتماعی پایین آزمودنی در حوزه مورد نظر است. بالا بودن نمره کلی حاکی از آن است که آزمودنی از سازگاری اجتماعی نامطلوبی برخوردار است (به نقل از کوهسالی و همکاران، ۱۳۸۷). کوهسالی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی که این پرسش‌نامه را مورد استفاده قرار دادند، به‌منظور بررسی پایایی، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ محاسبه کردند. همچنین برای تعیین روایی از ضریب همبستگی استفاده شد که میزان همبستگی ۰/۳۲ تا ۰/۹۸ گزارش شد.

جدول ۱. شاخص‌های آماری سازگاری اجتماعی و ابعاد آن در ۲ گروه از پدران دارای فرزند کم‌توان ذهنی و فرزند عادی

ابعاد سازگاری اجتماعی	شاخص آماری متغیر	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	درجه آزادی	t مستقل	سطح معناداری
سازگاری شغلی	پدران با فرزند کم‌توان ذهنی	۱۲/۳۳	۵/۳۷	۲/۹۳	۸۵	۲/۸۹	۰/۰۰۵
	پدران با فرزند عادی	۹/۴۰	۳/۹۷				
فعالیت‌های اجتماعی و فوق‌برنامه	پدران با فرزند کم‌توان ذهنی	۲۲/۷۷	۷/۵۴	۱/۳۱	۸۵	۰/۸۹	۰/۳۷
	پدران با فرزند عادی	۲۱/۴۶	۵/۸۸				
روابط خویشاوندی	پدران با فرزند کم‌توان ذهنی	۱۴/۱۳	۵/۴۶	۱/۶۸	۸۵	۱/۴۷	۰/۱۴
	پدران با فرزند عادی	۱۲/۴۶	۴/۸۲				
روابط زناشویی	پدران با فرزند کم‌توان ذهنی	۱۷/۳۰	۷/۶۰	۰/۷۲	۸۵	۰/۵۳	۰/۵۹
	پدران با فرزند عادی	۱۶/۵۸	۵/۰۲				
نقش والدینی	پدران با فرزند کم‌توان ذهنی	۶/۴۳	۴/۰۱	۱/۷۵	۸۵	۲/۱۴	۰/۰۳
	پدران با فرزند عادی	۴/۶۸	۳/۴۰				
عضو واحد خانواده	پدران با فرزند کم‌توان ذهنی	۷/۲۳	۳/۶۷	۰/۹۷	۸۵	۱/۳۴	۰/۱۹
	پدران با فرزند عادی	۶/۲۶	۲/۹۶				
سازگاری اجتماعی کل	پدران با فرزند کم‌توان ذهنی	۸۰/۲۰	۲۴/۱۵	۹/۳۶	۸۵	۲/۲۶	۰/۰۲
	پدران با فرزند عادی	۷۰/۸۴	۱۴/۴۸				

جدول ۲. همبستگی خصوصیات دموگرافیک و سازگاری اجتماعی پدران

متغیر	سن پدر	تعداد فرزندان	وجود فرزند معلول دیگر	وضعیت اشتغال	وضعیت تاهل	سطح تحصیلات
سازگاری اجتماعی	-۰/۰۰	۰/۱۰	-۰/۰۷	۰/۰۴	-۰/۰۳	-۰/۲۶
سطح معناداری	۰/۹۶	۰/۳۵	۰/۴۲	۰/۶۰	۰/۷۵	۰/۰۲

در پاسخ به دومین پرسش مبنی بر این که رابطه بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن پدر، تعداد فرزندان، وجود فرزند آسیب‌دیده دیگر، وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات) و سازگاری اجتماعی کل پدران چگونه است، ضریب همبستگی پیرسون بین این عوامل محاسبه شد. اطلاعات جدول ۲ نشان‌دهنده آن است که از میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی فقط میان سطح تحصیلات و سازگاری اجتماعی همبستگی منفی و معنادار برقرار بود ($r = -0.26, P < 0.05$). با توجه به این که بالا بودن نمره حاکی از آن است که آزمودنی از سازگاری اجتماعی نامطلوبی برخوردار است؛ این نتیجه بیانگر این است که هر چه سطح تحصیلات پدر بالاتر باشد، سازگاری اجتماعی مطلوب‌تری در او مشاهده می‌شود. شایان ذکر است به دلیل ۲ ارزشی بودن متغیرهای وضعیت اشتغال، وجود فرزند آسیب‌دیده دیگر و وضعیت تاهل برای محاسبه همبستگی این متغیرها با مولفه سازگاری اجتماعی از ضریب همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای استفاده شد.

در پاسخ به دومین پرسش مبنی بر این که رابطه بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن پدر، تعداد فرزندان، وجود فرزند آسیب‌دیده دیگر، وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات) و سازگاری اجتماعی کل پدران چگونه است، ضریب همبستگی پیرسون بین این عوامل محاسبه شد. اطلاعات جدول ۲ نشان‌دهنده آن است که از میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی فقط میان سطح تحصیلات و سازگاری اجتماعی همبستگی منفی و معنادار برقرار بود ($r = -0.26, P < 0.05$). با توجه به این که بالا بودن نمره حاکی از آن است که آزمودنی از سازگاری اجتماعی نامطلوبی برخوردار است؛ این نتیجه بیانگر این است که هر چه سطح تحصیلات پدر بالاتر باشد، سازگاری اجتماعی مطلوب‌تری در او مشاهده می‌شود. شایان ذکر است به دلیل ۲ ارزشی بودن متغیرهای وضعیت اشتغال، وجود فرزند آسیب‌دیده دیگر و وضعیت تاهل برای محاسبه همبستگی این متغیرها با مولفه سازگاری اجتماعی از ضریب همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای استفاده شد.

بحث

مطالعات متعددی در خصوص تاثیر کودک کم‌توان ذهنی بر عملکردهای روانی-اجتماعی والدین انجام گرفته است. پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از آن است که سطح عملکردهای روانی-اجتماعی والدین دارای کودک کم‌توان ذهنی ضعیف‌تر از عملکردهای روانی-اجتماعی مطلوب والدین دارای فرزند عادی است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش‌های گوپتا و سینگ (۲۰۰۴)؛ ماجومدار و همکاران (۲۰۰۵)؛ ها و همکاران (۲۰۱۱)؛ گهل و همکاران (۲۰۱۱)؛ دوین و همکاران (۲۰۱۱)؛ جناآبادی (۲۰۱۳)؛ جناآبادی و همکاران (۲۰۱۴)؛ ناصرشریعتی و داورمنش (۱۳۷۴)؛ کوهسالی و همکاران (۱۳۸۷) و کیمیایی و همکاران (۱۳۸۸) اشاره کرد.

1. Kaur
2. Cuzzocrea & Larcen

نداشتن اطلاعات کافی در مورد کودکان کم توان ذهنی و آگاهی نداشتن در مورد نقاط ضعف و قوت این افراد روی نگرش والدین تاثیر منفی می گذارد و همین امر می تواند برای والدین مانعی در جهت مشارکت و سازگاری مطلوب در جامعه شود.

موفقیت در برنامه ریزی و مدیریت خانواده به مهارت های بسیاری نیاز دارد. یکی از مواردی که می تواند موفقیت را تضمین کند، بالا بودن سطح آگاهی و میزان تحصیلات است زیرا فرد با آگاهی بیشتری می تواند تعاملات خانوادگی را سازمان دهد و همین امر به شکل گیری تعامل مثبت بین اعضای خانواده کمک می کند و این تعامل مثبت به نوبه خود روی تعاملات اجتماعی مثبت تاثیر گذار است زیرا حمایت های مثبت درون خانواده از شدت چالش های موجود می کاهد (ها و همکاران، ۲۰۱۱)، به تعاملات و سازگاری اجتماعی مطلوب در پدر کمک شایانی می کند و در همین راستا از میزان تنش و فشارهای وارده بر پدر کاسته می شود. لازم به یاد آوری است در پژوهش کوهسالی و همکاران (۱۳۸۷) بین سازگاری مادران دختران کم توان ذهنی با سطح تحصیلات ارتباط معناداری دیده نشد و این نتیجه با پژوهش حاضر همخوانی نداشت. این ناهمسویی می تواند به علت جنسیت والد باشد زیرا در جامعه ایرانی پدران نسبت به مادران به خاطر وظایف اجتماعی مانند اشتغال حضور فعال تری دارند و میزان تحصیلات بالا می تواند بیشتر با سازگاری اجتماعی آن ها مرتبط باشد. از محدودیت های این پژوهش می توان به حجم نمونه کم اشاره کرد که به دلیل وجود فقط یک مدرسه ابتدایی برای دانش آموزان کم توان ذهنی در شهر مریوان و رضایت نداشتن سایر پدران دارای فرزند عادی برای شرکت در مصاحبه رخ داد. با توجه به نتیجه این پژوهش که نشان داد حضور کودک کم توان ذهنی می تواند روی سازگاری اجتماعی پدران تاثیر منفی داشته باشد؛ نمی توان انکار کرد که پدران دارای کودک کم توان ذهنی تنش و فشار روانی زیادی را تحمل می کنند و همین امر بر سازگاری اجتماعی آن ها تاثیر نامطلوبی وارد می کند اما آنچه مهم است، ارایه راهکارهایی است

را بربادرفته می بینند. این پدران نسبت به پدران دارای کودک عادی تنش و فشار زیادی را برای تامین مخارج زندگی متحمل می شوند زیرا هزینه نگهداری از کودک کم توان ذهنی بسیار بیشتر از کودک عادی است. پدران دارای فرزند کم توان ذهنی به دلیل درگیری های شغلی، بیشتر اوقات در محیط خارج از خانه هستند و تعاملات کمی بین پدر با سایر اعضای خانواده صورت می پذیرد یا مسئولیت مراقبت از کودک با ناتوانی، پدران را به شدت درگیر مراقبت های روزمره می کند؛ در نتیجه در برنامه های شغلی پدر خدشه وارد می شود و از نظر شغلی آن گونه که باید مشارکت مناسبی ندارد. سطح پایین عملکرد روانی پدر دارای فرزند کم توان ذهنی موجب بروز احساس انزوا، تنهایی، افسردگی و گسستن از منابع اجتماعی می شود (امرسون و لیولین، ۲۰۰۸). در نتیجه می توان گفت چالش های موجود به علت حضور کودک کم توان ذهنی مانند مشکلات مالی، هزینه های درمان و نگهداری، مشکلات کودک و نگرش منفی جامعه نسبت به مسئله ناتوانی می تواند روی عملکرد اجتماعی پدران تاثیر منفی وارد کند و بر سازگاری اجتماعی آن ها به ویژه در زمینه شغلی و روابط والدی اثر نامطلوبی بگذارد.

نتایج همبستگی نیز نشان داد که بین سازگاری اجتماعی پدران دارای فرزند کم توان ذهنی با سطح تحصیلات ارتباط معنادار وجود دارد. این یافته با پژوهش دوین و همکاران (۲۰۱۱) همسو است. در این خصوص می توان گفت بالا بودن سطح تحصیلات فرد می تواند عاملی باشد که او را در جهت دسترسی به اطلاعات، مدیریت خانواده، مدیریت تنش موجود در خانواده، درک و شناخت ناتوانی کودک، دریافت خدمات و حمایت ها توانمند کند. پدران با سطح تحصیلات بالا، بهتر می توانند زندگی خانوادگی خود را مدیریت و بحران های هیجانی خود و اعضای خانواده را برطرف کنند. تحصیلات بالا می تواند به خوبی پدر را به سمتی رهنمون کند که به دنبال افراد یا جایی باشد که بتواند با مسئله کم توانی ذهنی کودک خود سازگار شود یا در این خصوص راهنمایی کسب کند.

می‌تواند از طریق تغییر در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با وضعیت اشتغال پدران دارای فرزند با ناتوانی مانند کاهش ساعات کاری یا در نظر گرفتن کمک مالی برای پدران دارای فرزند کم‌توان ذهنی با هر وضعیت شغلی انجام شود. پژوهش حاضر به پژوهشگرانی که این مسیر پژوهشی را دنبال می‌کنند، پیشنهاد می‌کند سازگاری اجتماعی والدین دارای فرزند با دیگر نیازهای ویژه را مورد بررسی و مقایسه قرار دهند و به منظور تعیین میزان شدت کم‌توانی ذهنی بر سازگاری اجتماعی والدین، روی سازگاری اجتماعی والدین دارای فرزند کم‌توان ذهنی با شدت‌های مختلف کم‌توان ذهنی مطالعه صورت گیرد.

که سازگاری این افراد را افزایش دهد. افزایش آگاهی جامعه و تغییر نگرش نسبت به مسئله ناتوانی می‌تواند از تنش پدر بکاهد. پدران دارای فرزند با ناتوانی به حمایت‌های خانوادگی، خویشاوندی و اجتماعی نیاز دارند؛ برنامه‌های مداخله‌ای بهنگام و حمایت‌های مناسب می‌تواند کاهش فشار مسئولیت اجتماعی پدر را موجب شود. بخشی از برنامه‌های خدماتی می‌تواند آگاه‌سازی والدین نسبت به مسئله کم‌توانی ذهنی، مدیریت خانواده، مدیریت تنش، برنامه‌ریزی به منظور تعاملات اجتماعی و اوقات فراغت و نحوه دسترسی به خدمات و حمایت‌های موجود باشد که از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی این امر میسر می‌شود. بخشی دیگر از برنامه‌های خدماتی

منابع

- کوهسالی، م؛ میرزمانی، م؛ کریملو، م؛ و میرزمانی، م. (۱۳۸۷). مقایسه سازگاری اجتماعی مادران با فرزند دختر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر. *مجله علوم رفتاری*، ۲(۲)، ۱۶۵-۱۷۲.
- کیمیایی، سیدعلی؛ محرابی، حسین؛ و میرزایی، زهرا. (۱۳۸۹). مقایسه وضعیت سلامت روان پدران و مادران کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر شهر مشهد. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۱(۱)، ۲۶۱-۲۷۸.
- ناصرشریعی، ت؛ و داوومنش، ع. (۱۳۷۴). اثرات معلولیت ذهنی فرزند بر خانواده (خلاصه یک تحقیق). تهران: سازمان بهزیستی کشور، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- Adli, M., Haidari, H., Zarei, E., & Sadeghifard, M. (2013). Relationship between emotional and social adjustment with marital satisfaction. *Journal of Life Science and Biomedicine*, 3(2), 118-122.
- Cuzzocrea, F., & Larcan, R. (2008). Parent training for families with mentally retarded children. *Journal of Mental Retardation and Cognitive Developmental Disabilities*, 28, 715-730.
- Devine, K. A., Holbein, C. E., Psihogios, A. M., Amaro, C. M., & Holmbeck, G. N. (2011). Individual adjustment, parental functioning and perceived social support in Hispanic and non-Hispanic white mothers and fathers of children with Spina Bifida. *Journal of Pediatric Psychology*, 8, 1-10.
- Emerson, E., & Liewellyn, G. (2008). Mental health of Australian mothers and fathers of young children at risk of disability. *Australian and New Zealand Journal of Public Health*, 32, 53-59.
- Emerson, E. (2003). Mothers of children and adolescents with intellectual disability: Social and economic situation mental health status and the self-assessed social and psychological impact of the child's difficulties. *Journal of Intellectual Disability research*, 47(4-5), 385-399.
- George, N. I., & Ukpong, D. E. (2012). Adolescents' sex differential social adjustment problems and academic performance of junior secondary school students in Uyo Metropolitan City. *International Journal of Business and Social Science*, 3(19), 245-251.
- Gohel, M., Mukherjee, S., & Choudhary, S. K. (2011). Psychosocial impact on the parents of mentally retarded children in Adnan District. *Healthline*, 2(2), 62-66.

- Gupta, A., & Singh, I. N. (2004). Positive perceptions in parents of children with disability. *Asia Pacific Disability Rehabilitation Journal*, 15(1), 22-34.
- Gupta, R. K., & Kaur, H. (2010). Stress among parents of children with intellectual disability. *Asia Pacific Disability Rehabilitation Journal*, 21(2), 118-126.
- Ha, J. H., Greenberg, J. S., & Seltzer, M. M. (2011). Parenting a child with a disability: The role of social support for African American parents. *Families in Society*, 92(4), 405-411.
- Jenaabadi, H. (2013). Comparison of social-psychological interaction between parents of mentally-retarded children and parents of normal children. *Journal of Education and Instructional Studies in the World*, 3(3), 34-39.
- Jenaabadi, H., Issazadegan, A., Gorgij, H. C., & Dadkan, A. A. (2014). The relationship between emotional intelligence, mental hygiene and social adjustment of mentally retarded children's parents and normal children's parents. *International Journal of Psychology and Behavioral Research*, 3(4), 243-251.
- Kawa, M. H., & Shafi, H. (2013). A comparative study of stress and depression among parents of mentally retarded children. *Quest International Multidisciplinary Research Journal*, 2(2), 24-34.
- Lewis, C., & Lamb, M. E. (2007). *Understanding fatherhood: A review of recent research*. Joseph Rowntree Foundation. UK: Lancaster.
- Luckasson, R., & Reeve, A. (2001). Defining and classifying in mental retardation. *Mental Retardation*, 39(1), 47-52.
- Majumdar, M., Pereira, Y. D. S., & Fernandes, J. (2005). Stress and anxiety in parents of mentally retarded children. *Indian journal of Psychiatry*, 47(3), 144-147.
- National information center for children and youth with disabilities (NICHCY). (2003). *Parenting a child with special needs*. News Digest 20(3rd Ed), 1-16.
- Rashid, N. (2012). Exclusion amongst Muslim parents of mentally challenged children in Hyderabad. *Journal of Arts, Science & Commerce*, 2(1), 25-32.